

سفرهای خارجی وزیر نظام

یونس فرجی



چنین پرقدرت و باصلاحت به استقبال روس و بریتانیا می‌رفت. مگر در وجود او چه بود که سایرین از آن بهره‌های نداشتند و یا امیرکبیر در غربیان و بیگانگان چه ضعفی یافت که دیگران از آن بی خبر بودند.

بی‌تردید هوش و ذکالت، میهن پرستی و شجاعت و همچنین تدبیر و فراست امیر در این بین بی‌ثابت نبوده است. اما آن چه به نظر می‌رسد بسیاری از مورخان متقدم و تاریخ‌نگاران این دوره بدان بی‌توجهند، سابقه آشناهی، معاشرت، مجادله و مباحثه امیرکبیر بالاین بیگانگان می‌باشد. اوزمانی که هنوز امیرنظام و صدراعظم هم نبود، بارها طی سفرهای خارجی از سوی دولت ایران به مباحثه و گفت‌وگو با فرنگیان، بهویژه با روس و عثمانی و انگلیس مأمور شد. شاید امیر چون سالها به عنوان مأمور از سوی دولت ایران به مناسبت‌های مختلف در کشورهای خارجی و در ارتباط با دربارهای دول مربوطه به سر برده بود، بهتر از هر کسی به ضعفها و قدرت، مکروهیله و فزون خواهی ایشان آشنا بود و لذا نه مروعوب و نه تضمیع می‌گشت؛ و این چنین بود که دوره‌ای در تاریخ معاصر کشورمان ثبت شد که بیگانگان به راحتی در خود جرات دخالت و دست‌اندازی در شوون داخلی مملکت ایران را نیافتدند.

سفرهای امیرکبیر

امیرکبیر در دوران صدارت خویش عملکرده وزارت خارجه را نیز بر عهده داشت و از قضا این بخش از ظایف و اختیارات او بود که بیش از هر چیز موجب اشتهرار و محبوبیت وی گردید. مهارت امیر در انتخاب سفرا جهت اعزام به سایر دول، نامه‌های او به این فرستادگان و مذکورات و مکاتبات ایشان با مأموران دولتهای بیگانه همگی نشان‌دهنده این است که او شناخت عمیقی از دولتهای خارجی بهویژه از همسایه‌گان ایران و دولتهای بزرگ جهان آن روز داشته و بر ضعف و قدرت ایشان آگاه بوده است. از همه مهمنه‌ترین این که امیرکبیر به واسطه تجربه چندین مأموریت سیاسی به نمایندگی از دربار و دولت ایران، به فنون برخورد و رویارویی با مأموران سیاسی سایر دول آگاه بود و در گفت‌وگو با ایشان می‌توانست به سهولت ضمن دفاع از ملک و میهن بر ارج و قرب دولت و ملت متبوع خود بیفزاید.

۱. مأموریت به روییه:

میرزا تقی خان امیرکبیر که در دوره آغازین

پر از شترین یادگار امیر را باید در سر پر جنگ او با دول استعماری آن روزگار جست. در نگاه به گذشته، مبارزه با سلطط اجنی و جلوگیری از تحکم آنان در این سرزمین نام میرزا تقی خان به حق درخشش خاصی دارد. در میان تمام شاهان و شاهزادگان، درباریان، دیوانیان و امراء لشکر در نزدیک به سه قرن گذشته، نظیر او بسیار کمیاب بوده و یا لاقل در نگاه محققان و مورخان ناشناخته مانده‌اند.

با ظهور امیرکبیر در میان دولتمردان قاجاری و صعود او بر بلندای دربار شاه جوان (ناصرالدین شاه)، وزیر محatarها و سفرای مکتبر که مطابق عادت نخوتبار دولتهایشان را بر گرده ضعیف ملت ایران می‌گذشتند. دست و پای خود را جمع کرده و دانستند که این ملک را مردانی دیگر نیز هست که هیچ تشابه با شاهان هوسپاز، درباریان فربه و تملق‌گوی ندارند. از آن پس، این سفرا و فرستادگان بریتانیا و روییه نبودند که حتی صدراعظم ایران را ساعتها منتظر ملاقات خود بگذراند بلکه وقتی امیر آمد، صفهای طولانی این فرستادگان مغفور در پشت درب اتاق ایشان تشکیل شد نا شاید او فراغتی از امور اداره مملکت حاصل نموده و آنها را به حضور بپذیرد. با این وجود، این ملاقاتها، چیزی جز صحنه عتاب و سرزنش و منع آنان از دخالت در امور داخله ایران زمین نبود. اما به راستی میرزا تقی خان امیرکبیر این طرز برخورد با فرنگیان سرمدست از قدرت مصنوعات جدیده و صنعت نوظهور را از کجا آموخته بود که برخلاف سایر عوامل درباری و بزرگان قاجاری.

یکی دیگر از افتخارات تاریخی امیرکبیر آن بود که پس از سالهای متمادی، گردوغبار حقارت را از دربارهای ایران زدود و بار دیگر خوبیاری و غرور ملی بر تارک آن در خشید. امیر در طی سفرهای دیپلماتیک خود در جوانی و ابتدای اشتغالات حکومتی اش به کشورهای خارجی، تجربه‌های سفر را با هوش و ذکاآتی ستودنی درک و تحلیل نمود تا این تجربه‌ها در آینده‌ای نزدیک در کار ملک داری به کار آید. او به خاطر لیاقت‌های فراوانی که از خود نشان داده بود، در جایگاه یکی از دیپلمات‌های بزرگ ایران آن روز و علاوه بر آن اقیس همیشگی و لیعهد جوان قوار گرفت که بهویژه در زمینه مناسبات دیپلماتیک از کارایی و توان فوق العاده‌ای بهره داشت.

گرچه دوران صدارت امیرکبیر بسیار کوتاه بود اما گویی ثمره تمامی تجربه‌ها و لیاقت‌های زندگانی او در همان چندسال به کار آمد و شالوده‌های بنای ایران نوین را پی‌افکند. استقلال در زمینه روابط خارجی و سرافرازی در عرصه‌های داخلی به نمود خاص فکری اصلاح طلبان پس از امیرکبیر تبدیل شد. با این‌همه، سرنوشت زندگانی برای خود او به پریشانی رقم خورد؛ که البته این پریشانی بی‌سرایت به سیاست داخلی و خارجی سراسر کشور و نیز به نسلهای بعدی نخبگان نبود. مقاله پیش رو، زندگی دیپلماتیک امیرکبیر و سفرهای خارجی او را مورد تتبع قرار داده و شخصیت و فعالیتهای او را از منظر یک دیپلمات برجسته و توانا، با نظر به توانایی وی در فن مذاکره و ساخته، تحلیل و معرفی می‌کند.

■ ■ ■

امیرکبیر را پیش از هر چیز به واسطه تلاشها و کوشش‌هایش در عرصه سیاست‌های داخلی کشور می‌شناسند. از محققان و قلمزنان شارح و ناقد حوادث گوتاکون تاریخ معاصر ایران گرفته تا مردم عادی، امیر را بزرگ‌مردی در اصلاح امورات کشور و سامان‌دهنده به هرج و مرجهای دوران خویش می‌دانند. کتابهای فراوانی در وصف کارهای اونگارش یافته و بحثها و مجادلات زیادی در قبول یا رد اقداماتش صورت گرفته است. انتظام امور کشور و لشکر، سرکوب گردن کشان و طاغیان، تنظیم امور مالیه بسط قسط و عدالت، ترویج اخلاق مدنیت، توجه به صنعت و تهیه جراید و بذل مساعدت در امور تالیف کتب از جمله اموری هستند که دوست و دشمن به او نسبت می‌دهند. اما شاید بزرگترین و

گریبایدوف به گردن دولت تزاری گذاشته شده بود. قائم مقام در این نامه، علت اصلی بی‌نظمیهای پایتخت و برخی نقاط دیگر را حمله روسیه به ایران و لذا تضعیف دولت و تسری بی‌نظمی و اغتشاش از نقاط مرزی به پایتخت ذکر کرد. او خاطرنشان ساخت که به دلیل صدماتی که از ناحیه دولت روسیه به ایران وارد شده مجال پرداختن به امور دیگر وجود ندارد و لذا چنین شورش و بی‌نظمی در کشور و دارالحکومه روی داده است.

به‌هرحال، هیات اعزامی با هدایا و برخی پیشکشها عازم روسیه گردیده و در صفر سال ۱۲۴۵ق به پترزبورگ وارد شدند. در این هنگام روسیه سخت با قوای عثمانی درگیر جنگ بود و بهمین دلیل، علی‌رغم ماجراهی قتل گریبایدوف، استقبال گرم و شایانی از هیات ایرانی به عمل آورد؛ چنان‌که خسرومیرزا و همراهان او به حضور نیکلای اول تزار روسیه نیز رسیدند و مذاکراتی نیز بین آنان انجام شد. تزار روسیه ضمن پذیرش عذرخواهی دولت ایران، به این حد رضایت داد که صرفاً مسببان واقعه قتل گریبایدوف تنبیه گرددند. دربار تزاری که بهشت نگران جهه‌های جنگ با عثمانی بود، تمایل نداشت که در این اوضاع اقداماتی به عمل آورد که جبهه جدیدی نیز با ایرانیان گشوده شود و لذا به منظور رضایت ایران، امپراتور روسیه حتی یک کرون از مجموع دو کرون بدهی ایران بابت جنگ ایران و روس را نیز مورد بخشش قرار داد.

هیات ایرانی، از جمله محمدتقی خان فراهانی، در طول اقامت دو ماهه در پترزبورگ و همچنین در مسیر رفت و بازگشت، از جمله در شهر تفلیس، از موسسات علمی و صنعتی روسها دیدن کردند. محمدتقی خان جوان بارها به کارخانه‌های بزرگ اسلحه‌سازی، توب‌پریزی، باروت‌سازی، کاغذسازی، فلزتراشی و ... رفت و از دارالفنون و رصدخانه بزرگ مسکو نیز دیدن کرد. کتابخانه‌ها، دانشگاهها و مریض خانه‌های روسیه نیز از نگاه تیزین او دور نماند. بی‌تردید این نخستین سفر میرزا محمدتقی خان فراهانی به روسیه و دیدار او از مراکز و محافل علمی و صنعتی و مشاهده نظام امور دیوانی و لشکری آن کشور تاثیر فراوانی بر افکار و اندیشه‌های وی باقی گذاشت. علاوه‌بر آن، امیرکبیر که در این هنگام جوانی دیوانی بود، از نزدیک با فرهنگ و عادات اهالی روسیه آشنا شد. این سفر در سوم رمضان ۱۲۴۵ق به پایان رسید. هیات اعزامی به تبریز بازگشت و غالله قتل گریبایدوف و تیرگی روابط دولتين ایران و روس بهنحو مناسبی به پایان رسید؛ هرچند در این بین ناید ضعف و ترس

دادند. از جمله آنان دو زن گرجی که در خانه الهیارخان آصف‌الدوله اقامت داشتند، به دستور گریبایدوف با اجاره و زور به سفارت روسیه منتقل شدند. انتقال این دو زن مسلمان و سایر اسرا به سفارت روس خشم و نفرت عموم مردم و روحانیون را برانگیخت و نهایتاً کار بدانجا کشید که مردم به سفارت حمله کرده و تمام اعضاء آن - جز یک تن - را کشتند و اسرا را نیز آزاد کردند.

این واقعه شخص شاه و دربار را به شدت نگران و متوجه نمود. چاره‌ای جز این نبود که دربار ایران بی‌درنگ به دلچسپی و جلب رضایت خاطر دربار روس اقدام نماید. می‌توان گفت این ماجرا درواقع بیش از همه عباس‌میرزا را به حتم انداخت؛ چراکه او در آن زمان در جبهه جنگ با روسها قرار داشت و می‌دانست که سپاه او تاب تحمل حمله ارتشد تزاری را تغواهد آورد. درواقع عباس‌میرزا به عهده‌نامه ترکمنچای امید بسته بود تا شاید بتواند در پرتو آن به تدریج سپاه درهم شکسته و ضعیف ایران از سر و سامان دهد. علاوه‌بر این، براساس فصل هفتمن همین معاهده، دولت تزاری متعهد شده بود از ولایت‌عهدی و سلطنت عباس‌میرزا پس از درگذشت فتحعلی شاه حمایت کند. به‌هرروی، عباس‌میرزا به جهت مواد فوق و همچنین نگرانی پدرش به چاره‌جوئی برآمد. او علاوه‌بر آن که به دلچسپی پاسکویچ سردار نامی و فاتح آذربایجان، پرداخت، هیاتی را نیز به اشاره وی روانه تفلیس نمود تا از آنجا نزد تزار روسیه رفت و مراتب عذرخواهی دولت ایران را به خاطر سرنوشت گریبایدوف به وی ابلاغ کنند. هیچ یک از شاهزادگان، دربار ایران، دیوانیان و امرای لشکر ایران حراث پذیرش این ماموریت را نداشتند. سراج‌جام عباس‌میرزا یکی از پسران خود به نام خسرومیرزا را به این امر مامور گردانید. در شوال ۱۲۴۴ق خسرومیرزا به همراه محمدخان زنگنه - امیرنظام آذربایجان - و چند تن دیگر عازم دربار تزاری شدند.

در میان این عده، فردی به نام میرزا تقی خان فراهانی نیز حضور داشت که بعدها پس از طی مدارج ترقی به صدارت اعظمی ایران رسید و ملقب به عنوان «امیرکبیر» گردید. در آن زمان میرزا محمدتقی، یا کربلایی محمدتقی جوانی بیست و دو ساله و در زمرة دیوانی بود. از آنجاکه میرزا تقی خان از نزدیکان ایران را شغل داشت و لذا اقدام گریبایدوف در پذیرش قائم مقام و پرورش بافتگان او به شمار می‌رفت و با توجه به سبک صدارت قائم مقام، بسیاری بر این باورند که میرزا محمدتقی ماموریت داشت تا ضمن تهیه شرح مسافت و حضور در دربار روسیه موارد را به اطلاع قائم مقام برساند.

جالب آن که قائم مقام نامه‌ای تهیه نمود و به هیات اعزامی داد که در آن با تیزهوشی و با قلم استدانه‌ای گناه بروز واقعه سفارتخانه روس در طهران و قتل

استخدام در دستگاه دولتی جزو نزدیکان و منشیان قائم مقام بود. در نخستین سفر خود به خارج از ایران (به روسیه) - که در آن هنگام بیست و دو سال بیشتر نداشت - جزو دبیران حکومتی بود. این سفر دمه‌های طول انجامید و هرچند امیرکبیر در آن زمان مقام بالای دولتی نداشت و در مذاکرات هم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار نبود اما در این مدت تجربیات ارزشمندی به دست آورد.

پس از تعقاد معاهده ترکمنچای در سال ۱۲۴۳ق. میان دولتين ایران و روس، طرفین به منظور نظارت بر حسن اجرای معاهده و نیز مبالغه استناد مربوطه، سفرای را به دربار یکدیگر روانه کردند. از طرف دولت تزاری شخصی به نام گریبایدوف - که فردی شاعر و نویسنده اما نندخو و عجول بود - مامور به این کار گردید. وی تبریز را به عنوان محل اقامات و نظارات خویش برگزید اما پس از مدتی، با اکراه فراوان، جهت تکمیل ماموریت خویش و در حالی که نزدیکان خود را در تبریز باقی گذاشته بود موقعتاً روانه طهران شد. در پایتخت از او با تشریفات کامل و احترامات ویژه پذیرایی و استقبال به عمل آمد. به تدریج مشخص گردید که این سفیر متکبر، اعتنا و احترامی نه تنها برای عموم ایرانیان قائل نیست. بلکه خواص و درباریان نیز در نظر او ارج و قربی ندارند. به هر حال، علیرغم همه این مسائل گریبایدوف ماموریت خود را به پایان رساند و مهیا می‌شد که به تبریز بازگردد اما واقعه‌ای رخ داد که به جای تبریز، گریبایدوف را - البته جسدش را - راهی روسیه کرد.

ماجره از این قرار بود که یکی از خواجه‌سرایان دربار فتحعلی شاه به نام آغا‌یعقوب ارمی که به دیوان دربار مبالغی بدھکار بود، با تمکن به یکی از فصول عهده‌نامه ترکمنچای به سفارت روسیه پناهنده شد. وی با این عمل درواقع قصد داشت از زیربار دیون خود به دولت ایران شانه خالی کند. ازسوی دیگر، از آنجا که او تبعه دولت ایران بود نمی‌توانست مصادق اصل سیزدهم عهده‌نامه ترکمنچای باشد. که در آن تاکید شده بود اسرای جنگی تبعه ایران و روس که در اختیار هریک از طرفین هستند، باید به کشور خود بازگردانده شوند. اما آغا‌یعقوب ارمی ایرانی بود و پیش از آغاز نبردهای ایران و روس، حتی در دربار ایران اشتغال داشت و لذا اقدام گریبایدوف در پذیرش یعقوب ارمی و دادن مصونیت به او، خشم شاه و دربار ایران را برانگیخت. جالب آن که گریبایدوف به این هم اکتفا نکرد و به تحریک همین پناهنده دردرساز، درصد برمد به استناد اصل مذکور، جمع دیگری از اسرای گرجی را که بیشتر آنان به خدمت اعیان و شاهزادگان ایران در آمده بودند مطالبه نماید. در حالی که اسرای گرجی یا خودشان مسلمان بودند و یا در طول اقامت خویش در ایران به اسلام تغییر دین

جهت ملاقات مجدد با تزار روس روانه ایروان شد؛
با این تفاوت که این بار یک مامور ساده دولت ایران
نیود، بلکه اینک وزیر نظام آذربایجان محسوب
می گردید. قدرت و نفوذ میرزا تقی خان در این زمان
به حدی بود که تمام لشکر آذربایجان فرمان کسی جز
او را نمی برند. در سال ۱۲۵۳ق. محمدشاه قاجار -
جانشین فتحعلی شاه - که جهت دفع غائله هرات در
خراسان به سر می برد. ملتفت گردید که نیکلای اول
تزار روسیه که ظاهرا به قصد گردش در فقفاز به سر
می برد در نزدیکی سرحدات شاهنشاهی ایران حضور
دارد. تزار روسیه نیز از آنجاکه با دربار محمدشاه رابطه
نسبتا خوبی داشت. فرصت را مغتمم شمرد و ملاقات
با او را خواستار شد. اما از آنجاکه بهویژه از جانب
انگلیسیها شایع شده بود که لشکرکشی دولت ایران
برای تصرف مجدد هرات و سرکوب والی طغیانگر آن
ناحیه با رضایت و همدلی دولت تزاری صورت گرفته
است. ضمن آن که روس و انگلیس نیز بر سر این منطقه
با یکدیگر رقابت داشتند. محمدشاه چندان تمایلی به
ملاقات با امپراتور روسیه نداشت و لذا تصمیم گرفت
ناصرالدین میرزا ولیعهد خویش را که در این ایام طفلی
هفت ساله بود را به معیت امیر نظام زنگنه روانه ایروان
نماید. امیر نظام زنگنه به همراه هدایا و تحفه های فراوان
از طهران عازم تبریز گردید و به همراه ولیعهد خردسال
و گروهی دیگر جهت ملاقات با تزار روسیه عازم ایروان
شد. همراهان و ملازمان ولیعهد را علاوه بر امیر نظام در
این سفر حاجی ملامحمد نظام العلماء (علم و ولیعهد)،
عیسی خان (دایی ناصرالدین شاه)، طاهرخان قزوینی،
میرزا محمد حکیمباشی و میرزا علی اکبر تبریزی (به
عنوان مترجم) بر عهده داشتند. اما آن که بیش از همه در
این بحث مورد نظر ما می باشد. میرزا محمد تقی خان
فراهانی وزیر نظام بود که در آن زمان به جانشینی از
امیر نظام زنگنه تقدیرها همکاره و شخص اول آذربایجان
محسوب می گشت. محمد تقی خان در این سفر بار
دیگر با تشریفات دیدارهای رسمی خارجی آشنا شد و
بیش از پیش به فن مذاکره با مقامات و سران دولت
خارجی پی برد. هر چند ماموریت ایران ارزش سیاسی
چندانی نداشت. اما تجربه مفیدی برای امیر کبیر به
شمار می آمد. وی در سفر نخست خود به روسیه
توانسته بود با نشان دادن تواناییها و لیاقت خود. نظر
امیر نظام زنگنه را به خود جلب کند و بالجام خدمتهاي
پسندیده در طول سفر. پس از بازگشت در دستگاه وی
مشغول به کار گردد. نه سال بعد در سال ۱۲۵۲ق.
مجدها میرزا محمد تقی خان توانت با نشان دادن
لیاقت. کاردانی. شجاعت و ادب خود نظر
ناصرالدین میرزا ولیعهد را به خود جلب کند؛ تا جایی
که از این پس همواره ناصرالدین میرزا او را در کنار خود
حفظ کرد و سرانجام زمانی که شاه ایران شد وی را به
مقام صدارت دولت ایران برگزید. اشاره به بخشهاي از



مسیر حتی از مطالبه خون خواهی سفیران خود نیز
درمی گذرند. میرزا تقی خان مشاهده می کرد که
همان گونه که نمی توان به وعده های این دولتها دل
خوش کرد. از تهدیدهای آنان نیز نباید بیش از حد
هر انسانی به دل راه داد. امیر کبیر دریافت که در پس هر
تصمیم غریبها - به خصوص روس و انگلیس - نقشه ای
نهفته است که می بایست صرف نظر از تصمیمات
ایشان. به ماهیت نقشه ها و اهداف پنهانی آنان نیز پی
برد. علاوه بر این، مشاهده پیشرفت های به عمل آمده در
روسیه، به امیر آموخت که قدر تمندی دولتها نه در
القب و عنوان طولانی شاهان و درباریان. بلکه با نظم
و سازمان بخشیدن به امورات کشور و لشکر و پیشرفت
صنایع مختلف است که می توان به آن دست یافت.

۲. مسافت ایروان:

دومین سفر امیر کبیر به خارج از کشور نیز در
دوران جوانی او روی داد. نه سال پس از سفر نخست به
روسیه، امیر کبیر به همراه ناصرالدین میرزا - ولیعهد -

فتحعلی شاه و دربار ایران از روسیه و در مقابل وحشت
دولت تزاری از جنگ با ایران در این زمان به دليل
درگیری با عثمانی را در پایان بخشیدن به این ماجرا
بی تاثیر داشت؛ و گرنه با کمی تیزهوشی و جسارت از
سوی دربار ایران. قضایا حتی می توانست به نحو
دیگری پایان پذیرد و ایران مطالبات دیگری نیز از
روسیه ننماید.

امیر کبیر در این سفر علاوه بر آشنایی با رسوم
ماموریتها و مباحثات خارجی، با مشاهده پیشرفت های
روسیه به فکر سامان بخشیدن به هرج و مر جادلی و
بی نظمه های امور ایران افتاد. جوان بیست و دو ساله ای
که در ماموریتی تقریبا دله را (به دلیل قتل
گریبایدوف) با امپراتور روسیه ملاقات نموده و از
نزدیک شاهد رفتار و اعمال او بود، دیگر نمی توانست
بیست سال بعد که به صدارت اعظمی ایران می رسید
ترسی از ایشان به دل راه دهد. وی در این سفر
آموخت که دولتهاي استعماری از جمله روسیه
بیش از هر چیز به منافع خویش می اندیشند و در این

نشان نداد که این دو دولت مسلمان با یکدیگر متحد شده و علیه دشمنان خود، به ویژه با روسیه ترازی، وارد جنگ شوند. علاوه بری اعتمادی ایران و عثمانی به یکدیگر و فزون خواهیهای عثمانی در این قضیه، می‌توان به نقش دول استعماری، به ویژه روس و انگلیس، اشاره کرد. به هر حال، مجدداً اختلافات دو کشور در زمان فتحعلی شاه به اوج خود رسید و عباس میرزا از جانب او مامور گردید ضمن لشکرکشی به خاک عثمانی، از دست اندازی این دولت به سرزمینهای ایران مانع بوده عمل آورد. عباس میرزا با سپاهی تقریباً آماده و مجهز به عثمانی حمله کرد اما با وجود پیشرفت‌های قابل توجه سپاه او، نتیجه‌ای عاید ایران نگردید و دو کشور به ناچار - و یا شاید هم از روی مصلحت اندیشی - مصالحه کردند. متعاقب آن پیمان اول ارزنهالروم در نوزدهم ذی‌عیقده سال ۱۳۲۸ق از سوی طرفین به امضاء رسید. براساس این معاهده دولت ایران پذیرفت همه مناطقی را که به تصرف خود در آورده به عثمانی مسترد گرداند. مرز دو کشور نیز بر اساس معاهده سال ۱۳۵۶ق. - که بین نادرشاه افشار و سلطان محمود بسته شده بود - تثبیت گردید. در مقابل، دولت عثمانی متعهد گردید که زوار ایرانی عتبات عالیات را مورد آزار و اذیت و باج خواهی قرار نداده و بلکه در کار آنان تسهیل نیز نماید. همچنین مقرر شد عشاپر و دامداران مرزنشین اجازه داشته باشند بر اساس رسوم دیرینه خود - بیلاق و قشلاق - بدون مراجعت در مرزها تردد نمایند.

آنچه از پیمان نخست الرزنهالروم به دست می‌آید، آن است که دولت ایران در حین گفت‌وگوها و جهت حل اختلافات فی مابین، از خود حسن نیت و همکاری شایان توجهی نشان داد اما با این وجود

امیرکبیر در پاسخ به احوالپرسی امپراتور روسیه که به زبان روسی از او احوالپرسی کرده، به روسی جواب می‌دهد. این امر، دلیل بر هوش و ذکاوت امیر در آموزش و یادگیری زبان روسی - با وجود تمام مستوی‌تیهاش - می‌باشد.

هرچند در سفر به ایروان و ملاقات با تزار روسیه در محل «اوج کلیسا» - که یک هفته بیشتر به طول نینجامید - ماموریت سیاسی خاصی به هیات ایرانی محول نشده بود، با این وجود در این ملاقات موضوعاتی نظیر قضیه هرات، مهاجران و اتباع ایرانی در روسیه و روشهای مقیم ایران مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفت و همگی این مسائل باعث شد بیش از پیش بر تجربیات و دانسته‌های میرزا تقی خان وزیر نظام درخصوص نحوه برخورد و مذاکره با خارجیان افزوده شود.

در ادامه پیشرفت‌ها و ترقیات میرزا تقی خان باید گفت: پس از مرگ امیر نظام زنگنه وی مستولیت نام نظام آذربایجان را به دست آورد. از همه مهمترین که امیر در هنگامی که وزارت نظام آذربایجان را به دست آورده بود، به پشت‌وانه سفرهای خود به تفلیس، مسکو، پتروزبورگ و ایروان اقدام به مهمترین سفر خارجی خود به ارزروم نمود؛ با این تفاوت که این سفر وی بسیار طولانی‌تر، مهمتر و حساس‌تر از ماموریت‌های پیشین بود.

۳. چهار سال در ارزروم:

یکی از مهمترین اتفاقات دوران زمامداری محمد شاه قاجار را می‌توان انعقاد معاهده ارزنهالروم (ارزروم) دانست. ایران و عثمانی در طول تاریخ به ویژه پس از تاسیس سلسله صفویه درگیر اختلافات و

Hajji Mیرزا آغاسی در سال ۱۲۵۹ق. محمد تقی خان را به ماموریت ارزنهالروم روانه کرد تا از یک طرف از نفوذ او در دربار و ناحیه آذربایجان بکاهد و از سوی دیگر از آنجا که این ماموریت را بس بزرگ و خطیر می‌پنداشت، می‌خواست امیر را با شکست و خفت به کشور بازگرداند حاجی میرزا آغاسی بر این باور بود که اختلافات ایران و عثمانی به قدری عمیق و پیچیده است که انعقاد صلح بین طرفین تقریباً محال است

ماحصل مذاکرات طرفین که همان پیمان ارزنهالروم باشد، توانست ریشه اختلافات طرفین را زین ببرد. این پیمان تنها منجر به انعقاد طرح صلح کلی بین ایران و عثمانی گردید و از مرتفع ساختن مواردی که سبب ساز مناقشات ایران و عثمانی گردیده بود بازماند. از جمله موارد بسیار مهم که همچنان لایتحل باقی ماند، می‌توان به اختلافات مرزی طرفین به ویژه در آذربایجان، کردستان و خوزستان اشاره کرد. علاوه بر این، همان‌گونه که در سالهای بعد نیز مشاهده گردید.

مناقشات با یکدیگر بودند. تدوام همین اختلافات به دوران قاجار نیز کشیده شد. طرفین گاه و بیگانه زد خود ردهایی به ویژه در مناطق مرزی داشتند. شدت این درگیریها در مناطق شمال غربی (در آذربایجان) و جنوب غربی (در بین‌الهرين و خرمشهر) بیش از سایر مناطق بود. در هنگام پادشاهی فتحعلی شاه مجدداً دو کشور رودرروی هم صفاتی کردند. جالب این که هر دو دولت ایران و عثمانی سابقه جنگ و ستیز با روسیه تزاری را نیز داشتند. اما تاریخ هرگز

مقالات هیات ایرانی با تزار روسیه که محمد تقی خان فراهانی وزیر نظام نیز در میان آنان بود به نقل از روضه‌الصفای ناصری خالی از لطف نخواهد بود:

«چون به منزل خاص اعیان‌حضرت امپراتور اعظم رسیدند. در اتفاقی بزرگ که منصل به اتفاق خاص امپراتور بود فرود آمدند و بر کرسی‌ها و صندلی‌ها برنشستند. ناگاه اعیان‌حضرت امپراتور اعظم دری از درهای منزل خود را برگشاده، حضرت ولی‌عهد را [ناصرالدین میرزا]... به‌اندرون اتفاق خاصه خود برد... و بنیاد ملاحظت و مهربانی کرد و ولی‌عهد را به خنده و تبسم و سخن و تکلم تکلیف و ترغیب همی فرمود... دیگر باره درب را گشاده جناب امیر نظام [زنگنه] و حاجی مولامحمد معلم را به درون خواند و از آن پس میرزا محمد تقی وزیر نظام [امیرکبیر] و محمد طاهرخان و کیل را که حامل هدایا بود بخواست و نامه مودت خاتمه شاهنشاه ایران - خلد الله ملکه - با رشته‌های مروارید و باقته‌های کشمیری و اسبهای ترکمانی و عربی را به حضور آوردن و میرزا محمد حکیم‌باشی و میرزا علی‌اکبر تبریزی مترجم نیز در آمدند... اعیان‌حضرت امپراتور و سایر امرا همچنان ایستاده بودند و به شاه‌میرخان دیلمج فرمود که از امیر نظام پیرس که هریک از همراهان ولی‌عهد را معرفی کند. پس حال عالی جناب معلم [احجاجی مولا محمد معلم] را پژوهش فرمود. امیر نظام گفت که از عظامی علمای آذربایجان و معلم سرکار نواب شاهزاده ولی‌عهد است... پس احوال محمد طاهرخان و کیل را باز پرسید. مترجم عرض کرد که امیر نظام عرض می‌کند که نوکر بزرگ نایب‌السلطنه مغفور بوده. در آن حضرت محمریت داشته و اکنون حامل هدایا است. جواب فرمود که محمریت به نایب‌السلطنه منصبی بزرگ است. پس استفسار از حال میرزا محمد تقی فراهانی [امیرکبیر] نمود. امیر نظام عرض کرد که مستوفی نظام بوده و به واسطه خدمت اکنون به وزارت نظام رسیده و در سفر سابق در پطرزبورغ به حضور مبارک امپراتور شرفیاب شده. امپراتور فرمود که الحمد لله یک بار دیگر رفیق خود را دیدیم. بعد از آن به لغت روسی فرمود که احوالت خوب است و زیر نظام [امیرکبیر] هم به زبان روسی عرض کرد: الحمد لله از التفات امپراتور اعظم... روز دیگر به اشارت حضرت ولی‌عهد همراهان رکاب قصد مراجعت نمودند و از روز ورود تا زمان رجوع هشت روز بوده».

در این شرح سفر، چند نکته جالب توجه در خصوص امیرکبیر به چشم می‌خورد: اول آن که در معرفی وی به تزار روسیه، امیر نظام به لیاقت و کاردانی میرزا محمد تقی خان اعتراف نموده و دلیل ترقی وی از مقام مستوفی به وزارت نظام را همین خدمات و لیاقت امیرکبیر ذکر می‌کند. نکته دوم این که



محبوبیت و نفوذ او در میان درباریان و اهالی آذربایجان کاسته شود. از سوی دیگر اگر امیر با هوش و فراستی که داشت می‌توانست سریلند از مذاکرات بیرون بیاید، حاجی میرزا آغا سی نیز از این افتخار بی‌نصیب نمی‌ماند. اما در عمل نتیجه به گونه دیگری رقم خورد. مذاکرات ارزنه‌الروم نزدیک به چهارسال طول کشید و نهایتاً معاهده ارزنه‌الروم در سال ۱۲۶۳ق. بین طرفین منعقد گشت. اهمیت این معاهده پیمان دوم ارزنه‌الروم - تا آنجا است که طرفین عملاً پس از آن مناقشه جدی در روابط خود به وجود نیاروندند و این معاهده پایه روابط آنها - حتی تا زمان فروپاشی عثمانی و تشکیل دولت ترکیه و عراق در غرب کشور - باقی ماند. متناسفانه با وجود چنین ارزش و اعتباری که مذاکرات ارزنه‌الروم از آن برخوردار بود، گزارشات دقیق و گسترده‌ای از آن در دست نیست. با این همه، آنچه را هم که موجود است، بی‌شک می‌توان آغازگر تاریخ جدید دیپلماسی ایران دانست.

امیرکبیر در این ماموریت برای نخستین بار به طور جدی در یک کنفرانس چندجانبه و در مذاکرات دیپلماتیک حضور یافت و مدتی طولانی بحث و گفت‌وگوی سیاسی، تاریخی و حقوقی را پیگیری نمود. متناسفانه درباره تاریخ دقیق حرکت امیرکبیر به ارزنه‌الروم و همچنین همراهان او اطلاعات چندانی در دست نیست.

امیر در اثنای مذاکرات، با ارسال نامه‌هایی، دربار ایران و به‌ویژه صدراعظم آن، حاجی میرزا آغا سی، را ز شرح م الواقع آگاه می‌ساخت اما مشهور است حاجی میرزا آغا سی به سبب کینه و عداوتی که با او داشت، حتی نامه‌های او را نمی‌گشود؛ تا جایی که پس از مرگ آغا سی تعدادی از نامه‌های امیرکبیر به او سربه‌مهر یافت شد.

شرح سفر

اختیارنامه محمد تقی خان وزیر نظام، با عنوان «وکیل مختار» دولت ایران در صفر ۱۲۵۹ق. با مهر محمد شاه صادر گردید و امیر در همین ماه عازم ارزنه‌الروم شد.

برخی منابع، تعداد همراهان او را تا دویست نفر نیز ذکر کرده‌اند. البته پس از شروع مذاکرات، تعدادی از آنان به وطن مراجعت نموده و در نهایت هیات و نمایندگان ایران به سی نفر محدود گردیدند. پاشا - حاکم ارزنه‌الروم از امیر خواست تا در آن جا به عنوان میهمان رسمی دولت عثمانی اقامت کند اما وی بنابه دلایلی این امر را نپذیرفت. همراهان میرزا محمد تقی خان را گروهی مرکب از دستیار، منشی، مترجم، مامور واسطه طبیب گرفته تا وقایع نگار و کاتب و مامور رمز تشکیل می‌داد که

امپراتور روسیه درخواست کرد تا واسطه مذاکره بین ایران و عثمانی گردد. امپراتور روسیه نامه‌ای به محمد شاه نوشت و در آن از او خواست ضمن پذیرش تشکیل انجمنی جهت حل اختلافات، نمایندگانی را جهت مذاکره معرفی نماید. سرانجام قرار بر آن شد که نمایندگان سیاسی ایران و عثمانی و همچنین نمایندگان دو دولت روس و انگلیس ضمن تشکیل انجمنی در ارزنه‌الروم به حل و فصل اختلافات فی مابین اقدام نمایند. میرزا جعفرخان مشیرالدوله در این خصوص می‌گوید: «وقتی که حاجی مرحوم [احاجی میرزا آغا سی] به خطبهای خود منتقل شد، دولتین انگلیس و روس که هر دو باطنًا حامی دولت عثمانی بودند، به خجال آن که خود را به عنوان توسط، دخیل این کار و چاره برای این امر ناگوار ننمایند. حاجی مرحوم را واداشت کردنند که مجلس گفت و گو برقرار و مطالب طرفین به واسطه وکلای ایشان در مجلس مزبور و حضور وکلای دولتین واسطین گفت و گو و اظهار شده، به تراضی طرفین قرارداد اصلاح ذات‌البین ننمایند». ابتدا قرار بود هیات ایرانی به سرپرستی میرزا جعفرخان مشیرالدوله جهت مذاکرات ارزنه‌الروم عازم گردد، اما او هنگامی که از طهران به تبریز حرکت کرده و به این شهر رسید، ظاهراً دچار بیماری سخت و طولانی گردید؛ بسیاری براین باورند که وی جهت شانه خالی کردن از بار چنین مسئولیت خطیری تمارض نموده و خود را بیمار جلوه داده بود. در هر صورت وی از این کار بازماند و قرعه به نام محمد تقی خان وزیر نظام افتاد. البته در انتخاب او به ریاست هیات ماموران ایرانی نیز جای بحث و مناقشه وجود دارد. برخی معتقدند که در این هنگام وزیر نظام آذربایجان - امیرکبیر - دارای چنان قدرت و نفوذی در آذربایجان بود که همگان را براین واداشت که وی را لایق نمایندگی دولت ایران در مذاکرات ارزنه‌الروم بدانند. گروهی دیگر معتقدند دلیل اصلی اعزام ایشان به این ماموریت خطیر و طولانی چیزی جز رشک و حسد حاجی میرزا آغا سی نسبت به ترقیات روزافزون و نفوذ فوق العاده او در کشور خصوصاً در بلاد آذربایجان نبود؛ به این معنا که حاجی میرزا آغا سی در سال ۱۲۵۹ق. محمد تقی خان را به ماموریت ارزنه‌الروم روانه کرد تا زیک طرف از نفوذ او در دربار و ناحیه آذربایجان بکاهد و از سوی دیگر از آنچه که این ماموریت را بسی بزرگ و خطیر می‌پندشت. می‌خواست امیرکبیر را با شکست و خفت به کشور بازگرداند. حاجی میرزا آغا سی بر این باور بود که اختلافات ایران و عثمانی به قدری عمیق و پیچیده است که انعقاد صلح بین طرفین تقریباً محال است. وی با معرفی وزیر نظام آذربایجان، قصد داشت اولاً همانکونه که می‌پندشت با شکست مذاکرات امیر سرشکسته و با خفت به ایران بازگردد و بدینسان از حرکت حاجیان ایرانی از سرزمینهای تحت تصرف عثمانی به خانه خدا و همچنین سفر به عتبات عالیات در عراق با مشکلات و مخاطرات بسیاری همراه شد. چنین بود که دوره صلح و آشتی به‌زودی به سرآمد و کشمکشهای تازه‌ای نمایان شد. از سال ۱۲۵۰ق. قافله‌های تجار ایرانی در خاک عثمانی برآها مورد هجوم و غارت قرار گرفتند و مرزنشیان و روستاهای سرحدات ایران و عثمانی نیاز حملات و چاپو حکام محلی عثمانی در امان نبودند. از همه پیچیده‌تر، قضیه بین النهرين و اوضاع شهر محمره (خرمشهر) بود. در سال ۱۲۵۳ق. که محمد شاه سرگرم لشکرکشی به هرات بود، ناگهان اوضاع محمره با لشکرکشی والی بغداد به آنچا به هم ریخت. اسناد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد دولت بریتانیا - که در این زمان بهشدت نگران لشکرکشی دولت ایران به هرات بود - در تحریک والی بغداد برای حمله به سرحدات جنوبی و غربی ایران، به‌ویژه خرمشهر، دست داشته است؛ چراکه بریتانیا نمی‌خواست محمد شاه فراتی یابد که بتواند با آسودگی خاطر به هرات - دروازه هند - لشکرکشی کند. سپاه عثمانی در حمله به خرمشهر چپاول و وحشی‌گری بسیاری از خود بروز داد؛ تاجیکی که پس از قتل مردان و چپاول اموال و داراییها زنان را نیز به اسیری برداشتند. دولت ایران به‌شدت به این عمل شنیع عثمانی اعتراض نموده و خواستار عقب‌نشینی لشکر عثمانی از خرمشهر و استرداد اموال غارت شده و پرداخت خسارت گردید. اما پاسخ دولت عثمانی، در عین گستاخی و تحکم، دارای ابعاد حقوقی پیچیده‌ای نیز بود. آنها گفتند: «بندر خرمشهر از توابع بصره و بغداد و ملک ما است و رعیت خود را تنبیه‌ی کردند. اگر ثابت کردید که خرمشهر از ایران است، آن گاه از خسارت صحبت کنید». این پاسخ محمد شاه را سخت برآشست و او تصمیم گرفت در یک فرست مقتضی این اقدام عثمانی را تلافی کند.

در گذشت سلطان محمد دوم در سال ۱۲۵۵ق. و شکست سپاه عثمانی از لشکریان ابراهیم پاشا در مصر، دولت ایران را جهت حمله به عثمانی شدیداً وسوسه کرد. در همین حین سفیر ایران در اسلامبول به طهران بازگشت و ضمن ارائه اطلاعاتی از کیفیت اوضاع و احوال در سرزمین عثمانی، دربار ایران را از آخرین اخبار آن سرزمین آگاه ساخت. پس از مرگ سلطان محمود دوم، سلطان عبدالمجید جانشین او گردید. در همین حین محمد شاه - بیش از همه به تحریک حاج میرزا آغا سی - ظاهراً جهت تنبیه اشرار اما به واقع به نیت لشکرکشی برای جنگ با عثمانی عازم غرب شد. در اواخر سال ۱۲۵۵ق. سلطان عبدالmajid از این اقدام محمد شاه مطلع و هراسناک گردید. لاجرم جهت دفع خطر و حفظ سرزمین‌های تحت تصرفش به امپراتور روسیه متوجه شد. وی از



عکس: میرزا تقی خان

سیاسی امروزی. در آن روزگار نیز علاوه بر جلسات رسمی نشستهای خصوصی متعددی جهت حل اختلافات و حصول تفاهم برگزار می‌گردید که در این مذاکرات نیز برخی از نشستهای به حل و فصل اختلافات کمک شایانی نمود.

اما در خصوص مشخصات دو طرف اصلی مذاکره کننده باید چنین گفت که صدر هیات عثمانی انور افندی- هرچند در دفاع از منافع عثمانی از خود قابلیت زیادی نشان می‌داد اما در فن گفت و گو مهارت چندانی نداشت و ضمن عدم رعایت متناسب در برخی موارد، موجب بروز جنجال و درگیری در حین مباحثات می‌گردید.اما در مقابل آنچه که دوست و دشمن راجع به صدر هیات ایرانی- امیرکبیر- گفته‌اند.

همه نیکی و تحسین و تمجید است. صورت جلسات

■■ صورت جلسات و گزارش‌های باقی‌مانده از مذاکرات ارزنه‌الروم نشان می‌دهد که امیرکبیر در این گفت و گو بسیار سنجیده سخن گفته و با رعایت موقع شناسی شیوه‌ای بسیار ماهرانه در مذاکرات اتخاذ کرده بوده است. او می‌دانست کجا باید دست بالا را بگیرد و کجا کوتاه بیاید، کجا استوار باشد و تندي نماید و کجا باید گذشت کند و نرمی به خرج دهد. پی‌برده بود در چه اموری روس و انگلیس با هم سازش و مواضعه نموده‌اند و در چه موارد سیاست‌شان همسان نیست

وی حتی کار را تا آنجا پیش برد که در کمال نادانی دولتهاي بيگنهاي را که در مذاکرات ارزنه‌الروم شرکت داشتند از محتواي پيامهای خود آگاه می‌گرد. در چنین شرایطی است که بیشتر به سختی کار و مهارت امیرکبیر بی‌خواهیم برد. در یک کلام باید گفت که در آوردگاه سیاست و دیپلماسی ایران، روس، انگلیس و عثمانی این نماینده ضعیفترین کشور، یعنی ایران، بود که با مهارت و شجاعت و آگاهی به فن دیپلماسی و گفت و گو با طرفهای خارجی توانست پیروز میدان گردد. دولت و دربار ایران در این زمان به قدری ناگاه و غافل از رسوم مذاکرات بین‌المللی بودند که حتی در صدور اختیارنامه میرزا تقی خان مواردی از اشکال از خود باقی گذاشتند و بدین ترتیب مجبور شدند پس از سپری شدن چندین جلسه از مذاکرات ارزنه‌الروم فرمان مکمل اختیارنامه او را صادر کنند. امیرکبیر در حین مذاکرات بارها بارها تا مز تقابل و حتی درگیری با نماینده‌گان میرزا تقی خان پیش رفت اما هرگز تسليم تهدیدات و بلوهای آنان نشد. هرچند پرداختن به ریز مسائل و شرح جزئیات در هریک از موارد اختلافی و بیان موضع و عملکرد امیرکبیر در این موارد از حوصله‌این بحث خارج است اما باید گفت که وی در خصوص هریک از موارد اختلافی با دستی پر و آگاهی کامل از مساله و نهارسیدن و مروع‌بشندهای پای به میدان مذاکره می‌گذاشت و عموماً پیروز و سریلنگ بیرون می‌آمد. در جهت

و گزارش‌های باقی‌مانده از مذاکرات ارزنه‌الروم نزد نماینده‌گان، اعضاء و سفرای چهار دولت شرکت کننده در این مذاکرات نشان می‌دهد که امیرکبیر در این گفت و گو بسیار سنجیده سخن گفته و با رعایت موقع شناسی شیوه‌ای بسیار ماهرانه در مذاکرات اتخاذ کرده بوده است. او «می‌دانست کجا باید دست بالا را بگیرد و کجا کوتاه بیاید، کجا استوار باشد و تندي نماید و کجا باید گذشت کند و نرمی به خرج دهد. پی‌برده بود در چه اموری روس و انگلیس با هم سازش و مواضعه نموده‌اند و در چه موارد سیاست‌شان همسان نیست. رفتار میرزا تقی خان، چه در محیط کنفرانس و چه در شهر ارزنه‌الروم» بسیار سنگین و متین بود. به حدی احترام دوست و دشمن را به خود جلب کرده بود که گزارش‌های نماینده‌گان انگلیس پر است از ستایش نسبت به کارداری و دانایی و نیکرفتاری و بزرگ‌منشی او؛ گرچه از حساسیت و همیشه دل خوش نبودند.»

متاسفانه امیرکبیر در شرایطی به دفاع از منافع ملی در مذاکرات ارزنه‌الروم مشغول بود که دولت ایران بدون برخورداری از سیاست خارجی مشخص تنهای امید خود را به وی بسته بود. تا آنچه که در تاریخ مضبوط می‌باشد، حتی نابسامانی اوضاع ایران به حدی بود که حاجی میرزا آغا‌سی تحت تاثیر روس و انگلیس در برخی مواقع دستورات و پیامهای کاملاً ضد و نقیض به گروه مذاکره‌کننده در ارزنه‌الروم می‌فرستاد.

درواقع امیرکبیر از این طرق قصد داشت ضمن کنترل و نظارت دقیق بر روند مذاکرات و ثبت و ضبط آنها. ایران را نیز از پیشرفت مذاکرات آگاه کند.

از آنجا که مذاکرات طولانی و گسترده بود. میرزا تقی خان سعی کرد از تمام جوانب مساله اطلاع کسب کرده و ضمن اطلاع از روحیات افراد، اخبار دقیقی از اوضاع و احوال مملکت‌هایشان به دست آورد. البته او در این ملاحظه خود صرفاً اتباع و نماینده‌گان دولتهای روسیه، عثمانی و انگلستان را مدنظر داشت. امیرکبیر علاوه بر این عده، با گروهی از ماموران خارجی مستقر در خاک عثمانی نیز ملاقات‌هایی به عمل آورد که ازان جمله می‌توان به ملاقات‌او با کنسول فرانسه و چند کشیش امریکایی اشاره کرد.

مقدمات مذاکرات در حال تدارک بود که اوضاع و احوال بسیار سخت و پیچیده‌تر از قبل گردید. ماجرا از این قرار بود که والی بغداد، شهر کربلا را به توب است و فرمان قتل عام مردم را صادر نمود. این اقدام درواقع با دستور دولت عثمانی صورت گرفت اما بربیانیا و عثمانی پنهانی تصمیم گرفتند که در مذاکرات اعلام شود که این حمله به طور خودسرانه از سوی والی بغداد صورت گرفته است. در حالی که در حقیقت عثمانی‌ها قصد داشتند در آغاز گفت و گوهای ارزنه‌الروم خوش‌شهر را تصرف کنند و ایران را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند. اما در ایران، دولت و بهویژه شخص حاجی میرزا آغا‌سی تلاش می‌کردند تمام این تحولات را از دید مردم و شاه مخفی نگه دارند که نهایتاً مردم از مسائل مطلع و برآشفته شدند لذا شاه علیرغم بیماری، دستور حمله به عثمانی را صادر کرد. سراج‌جام با وساطت و در حقیقت اعمال فشار دولتهای روس و انگلیس، موضوع لشکرکشی دولت ایران متفقی و صرفاً قرار شد خسارت و غرامت دریافت گردد.

نخستین جلسه مذاکرات ارزنه‌الروم در پانزدهم ربیع‌الثانی ۱۲۵۹ق. (پانزدهم مه ۱۸۴۳م) برگزار شد معمولاً مذاکرات ارزنه‌الروم را به دو دوره تقسیم می‌کنند: دوره اول از سال ۱۲۵۹ق. تا ۱۲۶۰ق. که در برگیرنده هیجده جلسه بود و دوره دوم از اوسط سال ۱۲۶۱ق. تا ۱۲۶۳ق. که پیمان نهایی منعقد شد. در دوره اول مذاکرات، بیش از هر چیز مسائل مورد مناقشه مطرح گردید و نماینده‌گان شرکت کننده از چهار دولت در این خصوص به گفت و گو پرداختند. اما در دوره دوم شرکت کننده‌گان سعی کردند ضمن حل اختلافات به تدوین مواد عهدنامه بپردازنند. در حین گفت و گوها کماکان درگیریهای مزدی بین ایران و عثمان ادامه داشت و همین امر بر پیچیدگی اوضاع می‌افزود. با این وجود جلسات مذاکرات به طور منظم و هر بار در خانه یکی از چهار نماینده برگزار می‌شد و مترجمان تمام مذاکرات را به فارسی و ترکی ترجمه می‌نمودند. جالب آن که نظریه بسیاری از مذاکرات

دیپلماسی می‌باشد نمی‌توان از مهارت‌ها و قابلیت‌های وی به آسانی گذشت. در اینجا مذکور می‌گردیم که تمجید و تایید ما در خصوص فن مذاکره و گفت‌وگوی امیرکبیر و تسلط او بر جریانات سیاسی حاکم بر روابط مملوک و دولتها هرگز به صورت مطلق نیست؛ چنانکه بسیاری از محققان و مورخان در همین موضوع نیاز ایندادی بر وارد نمودند.

یکی از این موارد گرایش وی به سمت ینگه دنیا - ایالات متحده امریکا - می‌باشد. اعتقاد براین است که امیر با هدف دفع خطر روس و انگلیس به سمت نیروی سومی گرایش پیدا کرد که در سالهای بعد در درسراهای فراوانی را برای کشورمان به همراه آورد. هرچند در این مورد نمی‌توان بر امیر چندان خرده گرفت اما این این ایجاد بر او همچنان باقی است که با وارد کردن ناگهانی دولت امریکا به صحنه سیاسی کشور، بریتانیا و روسیه را هرچه بیشتر در جهت تسلط و نفوذ در ایران تحريك نمود. گروهی دیگر بر این باورند که اعطای حق بازرگانی و نظارت بر کشتهها در خلیج فارس به دولت بریتانیا از سوی وی نیز امری غیرقابل دفاع می‌باشد؛ چراکه دولت انگلستان در آن زمان به بهانه جلوگیری از بردباری و حمل و نقل و فروش برده در دریای عمان و خلیج فارس عملاً قصد داشت این آبراه حیاتی را تحت نفوذ و کنترل خود درآورد.

اما علیرغم چنین اتفاقاتی - هرچند برخی از آنها کاملاً صحیح و به حق باشد - باز هم نمی‌توان از اقدامات و فعالیت‌های درخشان وی در عرصه سیاست خارجی چشم پوشی کرد. امیرکبیر در حالی مذاکرات ارزنهالروم را پیش می‌برد که این گفت‌وگوهای سیار طولانی، گسترد و وقت‌گیر بود. در حین مذاکرات چندین بار امیر به بیماری و نقاوت مبتلا گشت و حتی یکبار برای آشوبی که در شهر ارزنهالروم روی داد تا پای مرگ پیش رفت ولی هرگز از مذاکرات دست نکشید و با تدبیر و درایت خود کار را انعقاد عهده‌نامه ارزنهالروم در شانزدهم جمادی‌الثانی سال ۱۲۶۲ق. به پایان برد و سرافراز به میهن بازگشت.

در کل می‌توان گفت به موجب معاهده ارزنهالروم، هرچند دولت ایران از دعای خود در بعضی مناطق مرزی دست برداشت. اما در مقابل عثمانیا نیز حاکمیت ایران بر خرمشه و ساحل چپ اروندرود و نیز حق کشتیرانی ایران در این رودخانه را به رسمیت شناختند که تاریخ نشان داده اهمیت ارزش مورد اخیر به چه میزان می‌باشد. امیر خسته و کوفته اما سریلند از مذاکرات ارزنهالروم پس از چهارسال به میهن بازگشت اما ماتسافانه مورد بی‌مهربنی برخی از جمله حاج میرزا آغاسی قرار گرفت. وی چنین وانمود می‌کرد که امیرکبیر در انجام کامل ماموریت خویش موفق نبوده و علاوه براین در مواردی نیز که کامیاب



■ ■ ■ امیرکبیر به واسطه تجربه چندین ماموریت سیاسی به نمایندگی از دربار و دولت ایران، به فنون برخورد و رویارویی با ماموران سیاسی سایر دول آگاه بود و در گفت‌وگو با ایشان می‌توانست به سهولت ضمن دفاع از ملک و میهن بر ارج و قرب دولت و ملت متیوع خود بیفزاید

و خدارا به شهادت می‌طلبم که در مقام امیرکبیر غلو نکردم از خواجه نظام‌الملک مرحوم وزیر معروف و مشهور سلاجمه و صاحب بن عباد وزیر مشهور و معروف دیلمه و پرنس بیسمارک و لرد پالمرستون، ریشو وزیر مشهور لوئی سیزدهم فرانسه و پرنس کارچکوف روسی، به حق، به مرائب با عرضه‌تر و بهتر بود. هرچند در این گفتار سعی نداریم که بر تمام اقدامات امیر قلام تایید و تحسین بکشیم اما از انجاکه مقصود اصلی در این بحث فن مذاکره و

معرفی میزان قدرت قابلیت میرزا تقی خان فراهانی یا همان امیرکبیر معروف در فن مذاکره و دیپلماسی، همین بس که را برت کرزن. که خود جزو نمایندگان هیات انگلیس حاضر در مذاکرات بود. درباره او چنین گفته است: «میرزا تقی از تمام نمایندگان عثمانی، روسیه و انگلیس که در ارزنهالروم جمع شده بودند قبل ملاحظه‌تر و مشخص تر بود و با هیچ یک از آنها قابل مقایسه نبود». ظل‌السلطان نیز در کتاب تاریخ و سفرنامه مسعودی می‌گوید: «از روی انصاف می‌گوییم

از عهده‌هر نوع حرکات تجاوزیه مثل غصب و غارت که در اراضی یکدیگر وقوع می‌یابد برایند. قرار دادن که عشايري که متناسب فیه باشد و صاحب آنها معلوم نیست به خصوص انتخاب و تعیین کردن محلی که بعد از این دائماً اقامت خواهند کرد یک دفعه به اراده اختیار خود ایشان حواله شود و عشايري که تبعیت آنها معلوم است جبرا به اراضی دولت متبعه آنها داخل شوند.

فقره نهم: جمیع مواد و فصول معاهدات سابقه خصوصاً معاهده‌ای که در سنه ۱۲۲۸ هـ ق در ارزنه‌الروم منعقد شده که به خصوص به این معاهده حاضر الغاء و تغییر نشده مثل آن که کلمه‌به کلمه در این صحیفه مندرج شده باشد کافه احکام و قوت آن ابقاء شده است و فی مابین دو دولت علیه قرارداده شده است که بعد از مبادله این معاهده در ظرف دو ماه یا کمتر مدتی از جانب دولتین قبول و امضاء شده تصدیق نامه‌های آن را مبادله خواهند کرد. وکان ذلک فی يوم سادس عشرون شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۶۲^{۱۱}.

البته در برخی استناد و نامه‌های به جامانده از این دوره فقره یا ماده‌دیگری نیز به چشم می‌خورد که به شرح ذیل می‌باشد:

«فقره دهم: این معاهده حاضره اساس صلح گردیده به مراد قراردادن تفرعات مواد مندرجه آن و بعضی خصوصیاتی که تسویه آنها فی مابین دولتین لازم است دولتین تعهد می‌کنند که بعد از تصدیق کردن این معاهده از طرفین وکلا تعیین نمایند»^{۱۲}. ■

منابع

۱. عباس اقبال آشتیانی، میرزا تقی خان امیرکبیر، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات توپ، چاپ سوم، ۱۳۵۵.
۲. سیاستگران دوره فاجار، احمد خان ملک ساسانی، تهران، ۱۳۲۸.
۳. رضاقلی خان هدایت، تاریخ روضه‌الصفای ناصری، تهران، ۱۲۷۴.
۴. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، جلد اول، تهران، ۱۳۴۴ ش.
۵. دوستعلی خان معیرالملک، یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه تهران می‌باشد.
۶. محمد محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، جلد هشتم، ۱۳۳۳.
۷. محمد یوسف هروی، عین الواقعیه (کلیات ریاضی)، مشهد، ۱۳۲۴.
۸. میرزا تقی لسان‌الملک سپهر، ناسخه تاریخ، تهران، ۱۳۷۳.
۹. ابوالقاسم لاجچی، عباس میرزا نایب‌السلطنه، تهران، ۱۳۲۶ ش.
۱۰. حاج میرزا طاطرا اصفهانی، میثج شایگان، تهران، ۱۳۲۲ ق.
۱۱. محمد حسن انصاری شیخ جابری، آگهی شهان از کار جهان، جلد سوم، اصفهان، ۱۳۲۱ ش.
۱۲. میرزا علی خان امین‌الدوله، خاطرات سیاسی، چاپ حافظ فرملنفرمایان، تهران، ۱۳۴۱ ش.
۱۳. میرزا علی خان حقایق نگار خورموجی حقایق‌الاخبار ناصری تهران، ۱۳۸۴ ق.
۱۴. فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، فریدون آدمیت، تهران شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ چهارم، ۱۳۵۴.
۱۵. علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، دفتر انتشارات اسلامی، فروردین ۱۳۴۶.

و یک تبلیغ و تحریر شده به طرفین واقع شده و هم رسومات مراعی از سالی که تاخیر افتاده براین که مسائل آنها را روزی عدالت وصول و احراق حق شود از دو جانب بلا تأخیر مأمورین را تعیین نمایند.

فقره پنجم: دولت عثمانی وعده می‌کند که شاهزادگان ایران در برسا اقامت داده غیبت آنها را از محل مذکور و مراوده مخفیه آنها را به ایران رخصت ندهند و از طرف دولتین علیتین تعهد می‌شود که سایر فواری‌ها به موجب معاهده سابقه ارزنه‌الروم عموماً رسد شوند.

فقره ششم: تجار ایران رسم گمرک اموال تجارت خود را موافق قیمت حالیه و جاریه اموال مذکوره نقداً یا جنساً به وجهی که در عهدنامه منعقده ارزنه‌الروم در سنه هزار و دویست و سی و هشت در ماده ششم که دایر بر تجارت است مسطور شده ادا کنند و از مبلغی که در عهدنامه مذکوره تعیین شده زیاده وجهی مطالبه نشود.

فقره هفتم: دولت عثمانی وعده می‌کند که به

موجب عهدنامه‌های سابقه امتیازی که لازم باشد در حق زوار ایرانی اجرا دارد تا از هر نوع تعدیات بربی بوده بتوانند به کمال امنیت محلهای مبارکه را که در ممالک دولت عثمانی است زیارت کنند و همچنین تعهد می‌کنند که به مراد استحکام و تاکید روابط دوستی و اتحاد که لازم است فی مابین دو دولت

اسلام و تبعه طرفین برقرار باشد، مناسب ترین مسائل را استحصلال نمایند تا چنانکه زوار ایرانیه در ممالک دولت عثمانیه به جمیع امتیازات نایل می‌باشند. سایر تبعه ایرانیه نیز از امتیازات مذکوره بهره‌ور بوده خواه در تجارت و خواه در موارد سایر از هر نوع ظلم و

تعدي و بی حرمتی محفوظ باشند و علاوه براین بالیوزهایی که از طرف دولت ایران برای منافع تجارت و حمایت تبعه و تجارت ایرانیه به جمیع محلهای ممالک عثمانیه که لازم باشد نصب و تعیین شود به غیر از مکه مکرمه و مدینه منوره دولت عثمانیه قبول می‌نمایند و وعده می‌کنند که کافه امتیازاتی که

شایسته منصب و ماموریت بالیوزهای مذکوره باشد و در حق قنسولهای سایر دول متحابه جاری می‌شود در حق آنها نیز جاری شود و نیز دولت ایران تعهد می‌کنند که بالیوزهایی که از طرف دولت عثمانیه به جمیع محلهای ممالک ایرانیه که لازم بیاید نصب و تعیین در حق آنها و در حق تبعه و تجار دولت عثمانیه که در ممالک ایران آمد و شد می‌کنند معامله متقابل را کاملاً اجرا دارند.

فقره هشتم: دولتین علیتین اسلام تعهد می‌کنند که برای دفع و رفع و منع غارت و سرقت عشاير و قبایل که در سرحد می‌باشند تدبیر لازمه اتخاذ و اجرا کنند و به همین خصوص در محلهای مناسب عسکر اقامت خواهند داد. دولتین تعهد می‌کنند که

گردیده ارشادات و راهنماییهای شخص وی موثر بوده است. سراج‌جام وی و محمدشاه قاجار ضمن اعتراض به توافقهای امیرکبیر به تحسیش پرداختند. امیر توافق ضمن انعقاد معاهده ارزنه‌الروم اولاً دفع خطوط از جانب عثمانی نماید و در گیریهای طولانی بین طرفین را به پایان رساند. ثانیاً برخی امتیازات و اراضی مهمی را که مورد مناقشه بود به ایران بازگرداند و ثالثاً از مهم‌همتر - به دولتهای همسایه و همچنین به دولتهای استعماری متذکر گردد که این سرزمین دارای مردانی کارдан و ماهر در فن مذاکره و دیبلوماسی است که اجازه نخواهند داد بیگانگان به راحتی و سهولت و در پرتو مهارت‌های خوبش در گفت و گو و احیاناً به توسط اغواء و تطمیع حقی از حقوق ملت ایران را ضایع گرداند. جهت آشنایی با گفت و گوها و مذاکرات صورت گرفته در ارزنه‌الروم و تکیکهای به کاررفته در آن بهتر است در پایان گفتار نگاهی به متن این معاهده به نقل از کتاب مرحوم عباس اقبال آشتیانی داشته باشیم:

(امقدمه ... فقره اول: دولتین اسلام قرار می‌دهند که مطلوبات تقدیه طرفین را که تابه‌حال از یکدیگر ادعا می‌کرند کلها ترک کنند ولکن با این قرار به مقاولات تسویه مخصوصه، مندرجه در فقره چهارم خلیل راه نیابد).

فقره دوم: دولت ایران تعهد می‌کند که جمیع اراضی بسیطه ولایت زهاب یعنی اراضی جانب غربی آن را به دولت عثمانی ترک کند و دولت عثمانی نیز تعهد می‌کنند که جانب شرقی ولایت زهاب یعنی جمیع اراضی جاییه آن راکه مع دره کردند به دولت ایران ترک کنند و دولت ایران قولیاً تعهد می‌کنند که در حق شهر ولایت سليمانیه از هرگونه ادعاع صرف نظر کرده به حق تملکی که دولت عثمانیه در ولایت مذکور دارد وقتانم الاوقات یک طور دخل و تعرض ننمایند و دولت عثمانیه نیز قویاً تعهد می‌کنند که شهر و بندر محمره و جزیره‌الخضر و لنگرگاه و هم اراضی ساحل شرقی یعنی جانب پیسار شط العرب را که در تصرف دولت ایران باشد و علاوه براین حق خواهند داشت که کشتهای ایران به آزادی تمام از محلی که شط العرب به بعد منصب می‌شود تا موضع التحاق حدود طرفین در شهر مذکور آمدورفت نمایند.

فقره سوم: دولتین متعاهدتین تعهد می‌کنند که به این معاهده حاضره سایر ادعاهایشان را در حق اراضی ترک کرده از دو جانب بلا تأخیر مهندسین و مأمورین را تعیین نموده برای این که مطابق ماده سابقه حدود مابین دولتین را قطع نمایند.

فقره چهارم: طرفین قرار داده‌اند که خسارتی که بعد از قبول اخطارات دولتیه دو دولت بزرگ واسطه که در شهر جمادی الاول سنه هزار و دویست و شصت

